

دکتر لطیف طبیبی

تورنتو - کانادا

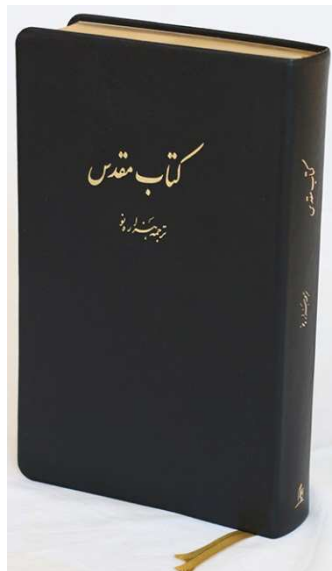
اشاره ای به برخی از منابع بررسی اسلام شناسی

مضمون سوم

در پی انتشار دو قسمت از این بررسی ها در هفته های پیش، در وب سایت خوشه و خراسان زمین و ویژه و فیس بوک، پیش از هر بار دیگری با ایمیل ها و تلفن های متعدد خوانندگانی فیس بوک روبرو شدم که از یکسو مرا به لطف نواخته و از این که پرونده «خسونت در اسلام» را گشوده ام، تشکر نمودند. در عین حال، چندین نفرشان مایل بودند که من منابع مراجعه ای خویش را هم در مورد سخنانم ارائه دهم. از جمله یکی از این دوستان در صحبت تلفنی که در باره شخصیت محمد پیامبر اسلام با من داشت، متذکر شد که «محمد فیلسوف عملی» زمان خود بود. برایم یک تشریح تاریخی و درست هم است که من با او موافقم. نظر به خواهش برخی از دوستان که منابع مقاله ها را تذکر بدهم، سعی کردم که منابع را در این قسمت سوم بیاورم. در غیر آن ممکن است برخی ها فکر کنند که مضامین مندرجه نشانی از خیالبافی های نویسنده است. همانگونه که می بیند اکنون اشاره ای به برخی منابع تاریخی پژوهش اسلام شناسی می نمایم.

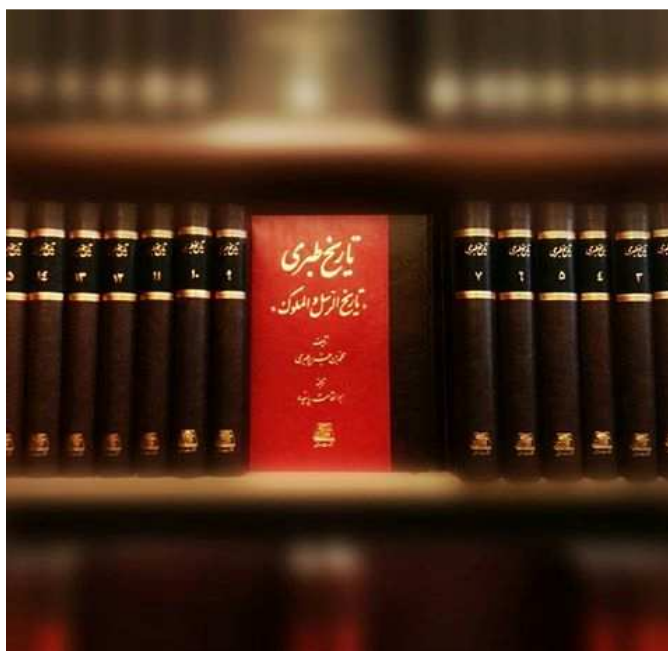
کسانی که به تاریخ جامعه شناسی اسلام سروکار دارند، بخوبی میدانند که مقالات در باره اسلام در واقع، نوعی پرسه زدن در بین کتب ناهمگون، خاطرات پراکنده، و فکرهایی که سالیان دراز در سر پرغوغایی برخی از نویسندگان شکل گرفته اند، می باشند. در جامعه شناسی سیاسی مذهب، هر سخنی که می نویسیم مسلماً مرجعی دارد. مهمترین منبع دسترسی که از طریق آن می توان به منابع دیگر راهنمایی شد، از این قراراند. این هم سزاوار تذکر میباشد که صاحب قلم باوجود استفاده از این منابع، همه را بدون نقد نپذیرفته ام. مهم این است که این کتاب ها خوانده شوند.

۱ - کتاب مقدس، ترجمه ی هزاره ی نو، از زبان های اصلی عبری و یونانی. چاپ دوم، ۲۰۱۴ میلادی. انتشارات ایلام. آشنایی به این کتاب از جهتی مهم است که خواننده گان بدانند قرن‌ها قبل از اسلام مذاهبی در دنیا موجود بوده و دین یهود یکی از آنها است که محمد بسیاری مسایلی پیشکش کرده از آن بهره برده



است.

۲ - شانزده جلد تاریخ طبری یا «تاریخ الرسل والملوک» تالیف محمد بن جریر طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ دوم ۱۳۶۲ خورشیدی، انتشارات اساطیر، ایران.

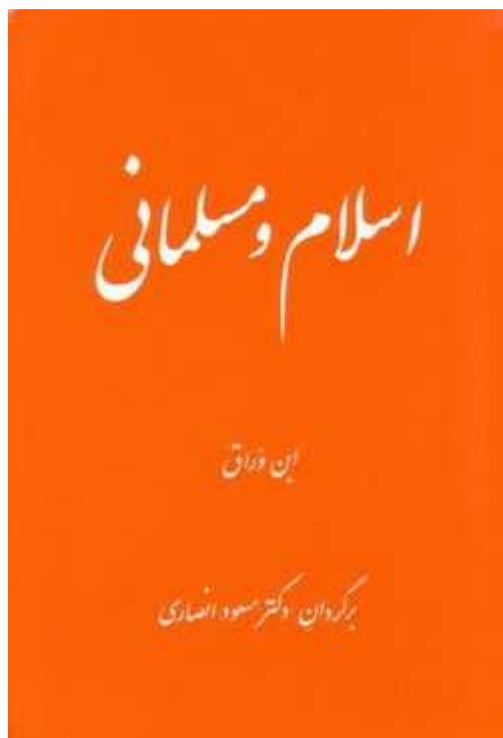


داستان تاریخ طبری به روایت برخی مورخین از این قرار است:

ابو محمد عبدالملک بن هشام تاریخ نگار مسلمانی است که در مصر متولد و در سال ۲۱۳ یا ۲۱۸ هجری قمری فوت کرد. طوری که ملاحظه می شود، او دو قرن بعد از مرگ محمد به دنیا آمده بود و سال ها روی زندگی نامه محمد کار کرده است. پیش از مرگ خود یادداشت هایی را که در باره محمد داشته به طبری داده است. تاریخ طبری از مجموع یادداشت ها عبدالملک بن هشام و متباقی گفته ها به سبک گزارشات سینه به سینه که در پژوهش تاریخ نگاری از اهمیت بر خودار است، سرهم شده است. تاریخ طبری مطالب تکراری و متضاد بسیار دارد و از نگاه آوردن سنوات هم اشتباهاتی دارد.

۳- اسلام و مسلمانی نوشته ابن وراق. ترجمه دکتر مسعود انصاری. ۲۰۰۰ و اشتنگتن، امریکا.

ابن وراق روشنگر مسلمانی است که مانند برخی از روشنفکران انتقادی دیگر جهان محروم از سیاستهای اروپای ها رنج میبرد. یادداشت های ابن وراق به سبک شرق شناسی نوشته شده، او عمل سلمان رشدی را رد میکردند.



- ۴ - اندیشه های میرزا فتحعلی آخوند زاده، نوشته دکتر فریدون آدمیت. شرکت سهامی انتشارات خوارزمی ۱۳۴۹ تهران. (رد برخی اسطورهای اسلامی از نگاه اندیشه فلسفوی) کتاب جالبی است.
- ۵ - بیست و سه سال، از علی دشتی. درسیری از زندگی سیاسی و ادبی علی دشتی نوشته بهرام چوبینه. روشنفکر ایرانی که رنج سنت گرایی را میبرد و علاقه به مدرنیسم داشت.

۶ - هوشنگ معین زاده، سفر نامهٔ دنیای ارواح، انتشارات آذرخش، فرانسه. کتاب ادبی است.

۷ - هوشنگ معین زاده، وصیت نامه خدا، فرانسه.

۸ - شجاع الدین شفا، افسانهٔ خدایان.

۹ - شجاع الدین شفا، پس از ۱۴۰۰.

پس از ۱۴۰۰ سال

شجاع الدین شفا

پوشینه نخست

آنچه هر ایرانی هزاره سوم میباید درباره واقعه‌های
چهارده قرن تاریخ اسلامی کشورش بداند

زنده یاد دکتر شجاع الدین شفا پژوهشگر جالبی بود که بررسی وی بکلی به سبک جامعه شناسی غربی، مانند پژوهشگران قرن هژدهم اروپا، آدم اسمیت، کارل مارکس، ماکس وبر، هگل و غیره است. او تا جای توان تمام منابع اروپایی را درباره اسلام به کنگاش گرفته است.

۱۰ - تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کیمبریج، زیر نظر هولت و لمبتون، ترجمه احمد آرام، تهران ۱۳۸۶. این کتاب معلومات کافی در باره جغرافیای سرزمین عربستان و شهرهای آن در دوران قبل اسلام ارائه میدهد، مطالعه برخی کتب پژوهشگران انگلستان ما را به این واقعیت آشنا میسازد که چرا انگلستان با همدستی فرانسوی به سرنگونی امپراطوری عثمانی اقدام نمودند. به باور این قلم از قرن‌ها پیش دین اسلام وسیلهٔ استفاده سیاست های استعماری انگلیس در حوزة بوده است و هنوز حاکمان انگلیسی رهبران اخوان المسلمین مصر، برخی از جهادی ما، پاکستان، عربستان و غیره کشور های حوزة را در کنترل سیاسی خود دارند.

۱۱ - ریچارد داون کینز، ژن خود خواه. تشریحی در باره بوجود آمدن ژن انسان است.

۱۲ - کورت فریشلر، «عایشه بعد از پیغمبر» ترجمه ذبیح الله منصور. کتاب جالبی است و معلوماتی در باره هوشیاری و نقش سیاسی عایشه در زمینه جانشینی پدری بعد از محمد و سه خلیفه دیگر را به صحبت گرفته است.

۱۳ - حامد عبدالصمد، زوال اسلام، یک پیش بینی.

۱۴ - حامد الصمد، وداع من با آسمان، تولدی دوباره. مترجم بی نیاز، داریوش.

جوان مصری است که در یک خانواده ی صاحب منصبه بدنیا آمد، پدر وی بعد از بازنشستگی ملا شده، اسطوره غلط داستان اسماعیل و قربانی زمینه تعقل فکری او گردیده است.

۱۵- نصر حامد أبوزید، پژوهشگر مصری که خیلی پیشتر از آقای سروش گفت که قرآن وحی نیست اصلی‌ترین نظریات نصر حامد ابوزید باور او به انسانی بودن قرآن، بود. حتی نظریه او در باره قرآن در دانشنامه چنین ثبت شده است (برای مومنان حتی کاغذ این کتاب هم مقدس است. اما برای من به عنوان یک محقق، این کتابی است که عده‌ای در ساختن‌اش مشارکت داشته‌اند. من شاهد دریافت هیچ کلمه‌ای توسط محمد از سوی خدا نبوده‌ام. من به عنوان یک مسلمان فقط شاهد گزارش محمد از مواجهه او با خدا هستم. می‌توان مسلمان‌ها را متقاعد کرد که این کتاب محمد است) او همچنین می‌گفت برای برداشت قرآن باید از علوم رایج بهره‌گیری کرد. نصر حامد ابو زید نظریه‌های خود را در کتابی که با نام «معنای متن» که به فارسی برگردان شده‌است، مطرح کرده بود.

همه ما می دانیم که رجوع دادن کلی باورهای خوانندگان گرامی به اینگونه منابع نقد مذهب مسئله ای را که برخی افراد به آن باورمند اند، برآورده نمی کند. ولی به باور این قلم، اکنون که باید زیربنای حرف و سخن روشنفکران افغان سکولاریسم و نقد اسلام باشد، توجه به این منابع کمک کننده است.

((((())))

سی و پنج سال قبل، سمیرامین روشنفکر مصری در مجله (دانشجویان ضد استعمارگر) نوشته بود که روشنفکران در جهان محروم نقش تعیین کننده در زمینه رشد فرهنگی و سیاسی جامعه دارند. اگر قرار باشد اکنون به جستجوی نقش روشنگران بیرونی افغانها بر آئیم، کافی است که نقش برخی از روشنفکران افغانستانی را به بیرون افغانستان نظر به نبشتار مضامین تکراری و عاری از محتوا در بعضی از وبسایت های افغانی مورد قضاوت قرار دهیم. بعضی از "روشنفکران" با وجود دیدن نقش منفی و عوامفریبی مهامله گران با دین، مشغول آرایش دادن آن میباشند.

درداخل افغانستان که بدبختانه بعضی از اقشار جامعه هنوز مصروف به عزاداری سالم‌رگ های پایان ناپذیر پی در پی بزرگان اسلام و امامان از یک طرف و از جانب دیگر رونق بازار سنت جن گیری و دعانویسی و غیره رواج یافته ها میباشند، روشنفکران وظیفه بسیار مهمتری را بدوش دارند. چرا که جمهوری اسلامی افغانستان و حلقه جهادی های دور پیش، کشورهای مجاور، برای بازکردن دکان های دین فروشی خیلی فعالتر شده اند.

امروزه ما با مشکل دیگری از همین نوع سروکار داریم که ضرورت بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه افغانستان توجه به آن را اجتناب ناپذیر می کند. از این منظر که بنگریم، حادثترین پرسش کنونی در حوزه فلسفه سیاسی و دولنداری در افغانستان آن است که آیا «جمهوری اسلامی افغانستان با ملاحها و جنگ سالاران دوربراو» حقانیت حاکمیت خودشان را، بر سرنوشت مردم افغانستان از کجا و با چه استدلالی ثابت می کنند. در این رابطه است که می بینیم برخی از ما افغانها هنگام بحث در مورد موضوع مزبور، به جای استفاده از واژه سیاست های استعماری یکسره تسلیم سیاستمداران خود فروخته و ملاحها میشویم و در بازی آنان با قواعد از پیش ساخته شده خود آنها شرکت می کنیم.

درک و تشخیص این مصیبت، برداشتن قدم بزرگی به سوی علاج درد ها است.

نوامبر ۲۰۱۷ تورنتو کانادا. این سلسله مضامین ادامه دارد.

((()))